

تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۰۷

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۱۴

بهزاد ملکی حسنونند^۱

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه لرستان

محمد جعفری^۲

دانشیار دانشکده علوم اقتصاد و اداری دانشگاه لرستان

شهرام فتاحی^۳

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی دانشگاه رازی

هادی غفاری^۴

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور اراک

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا است. برای تخمین الگو از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۷ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و بازبودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متغیر مخارج امور اقتصادی و متغیر مخارج امور عمومی بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار است. تأثیر متغیر مخارج اجتماعی (مخارج بهداشتی) بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. شاخص حکمرانی خوب که از ترکیب شش شاخص موجود به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمده در یک الگوی دیگر تخمین زده شده است که نشان دهنده رابطه مثبت با تأثیر بیشتر بر رشد اقتصادی است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، اجزای مخارج دولتی، رشد اقتصادی، کشورهای حوزه منا، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

طبقه‌بندی موضوعی: H50, H51, H89

1. Email: behzadmaleki1393@gmail.com

2. Email: jafari.moh@lu.ac.ir

«نویسنده مسئول»

3. Email: sh-fatahi@yahoo.com

4. Email: ghafari@pnu.ac.ir

مقدمه

از زمانی که اقتصاددانان به بررسی ویژگی‌های رشد و توسعه توجه کرده‌اند، رشد تولید ناخالص ملی به عنوان شاخص‌های مهم توسعه مورد قبول بیشتر محققان حوزه اقتصاد قرار گرفته است. در مکتب‌های کلاسیک، نئوکلاسیک و مکتب‌های جدید مانند کنیزی‌ها و شیکاگو که به رشد درون‌زا توجه شده است، عوامل گوناگونی شامل نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه اجتماعی، کیفیت و اندازه‌ی دولت، شاخص‌های نهادی و... بر رشد اقتصادی تأثیرگذار بوده‌اند (کمجان و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰).

مخارج دولتی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در مقالات گوناگونی بررسی شده است، در صورتی که این ارتباط در نظریه‌های اقتصادی به صورت مشخصی قابل ارائه نیست. در دهه‌های اخیر آثار گوناگونی از تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی را می‌توان دید؛ به این علت که اندازه مخارج دولتی اگر از حدی فراتر رود موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد ولی از طرفی دخالت دولت برای رشد و توسعه لازم است و نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت. در کشورهای گوناگون، میزان و اندازه‌ی دخالت دولت در اقتصاد با توجه به نوع حاکمیتشان متفاوت است (آسیماکوپولوس و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۲). میزان مخارج دولتی و کیفیت آن با توجه به شاخص‌های نهادی، بیشتر به این سؤال پاسخ می‌دهد که دخالت دولت و نقش تصدی‌گری آن به چه صورت می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی جامعه تأثیرگذار باشد. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه که به صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده بحث نهادها و توسعه است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا حدی است که برخی محققان نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند. از جمله شاخص‌های مناسب برای نشان دادن نهادها، به دلیل پوشش دادن بسیاری از موضوعات و همچنین در دسترس بودن داده‌های مورد نیاز برای بسیاری از کشورها در بازه زمانی طولانی، شاخص حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب از راه‌های مانند حمایت از حقوق مالکیت، سیستم قضایی و حمایت از قراردادهای، می‌تواند مشوق تولید و سرمایه‌گذاری و در نتیجه مشوق توسعه باشد. مفهوم حکمرانی خوب توسط بانک جهانی مطرح گردیده است و بر اساس مشارکت جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت دارای ابعاد گوناگونی است.

1. Asimakopoulos, S., & Karavias, Y.

تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا ۷۵

علت انتخاب کشورهای حوزه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) این است که برخلاف منابع انسانی و طبیعی فراوان منطقه، محاصره و چرخه‌هایی از خشونت، حملات تروریستی و جریان پناهندگان منجر به نرخ بیکاری بالا، تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد اقتصادی پایین در این منطقه شده است (میلر و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۵). وضعیت نامناسب سطح توسعه‌یافتگی و نهادی در این کشورها و ضرورت بهبود این متغیرها برای ارتقای جایگاه بین‌المللی کشورهای مورد مطالعه دلیل انتخاب این منطقه است. تحقیقات گوناگونی در زمینه رشد اقتصادی انجام گرفته است که از مدل‌های گوناگونی برای بررسی اثر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی استفاده کرده‌اند. ولی در بیشتر این تحقیقات مخارج دولتی را به صورت مجموع در نظر گرفته‌اند و این باعث می‌شود که نتوان تأثیر بخش‌های گوناگون مخارج دولتی بر رشد اقتصادی را تجزیه و تحلیل کرد. در حالی که هر بخش از مخارج دولتی دارای اثر جداگانه‌ای بر رشد اقتصادی است. در مطالعه حاضر ما اجزای مخارج دولتی را به سه بخش امور اجتماعی، امور اقتصادی و امور عمومی تقسیم کرده‌ایم و می‌خواهیم تأثیر هم‌زمان این اجزای مخارج دولتی و شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منا را بررسی کنیم. بنابراین در این تحقیق ما به دنبال پاسخ به این سؤال‌ها هستیم:

آیا تأثیر هم‌زمان مخارج امور اجتماعی و شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا مثبت است؟ آیا تأثیر هم‌زمان مخارج امور اقتصادی و شاخص نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا مثبت است؟ آیا تأثیر هم‌زمان مخارج امور عمومی و شاخص نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا مثبت است؟
که در ادامه این سؤالات را بررسی می‌کنیم. این تحقیق شامل بخش‌های مبانی نظری، روش تحقیق، مدل و روش تخمین، تجزیه و تحلیل نتایج و نتیجه‌گیری نهایی است.

۱- مبانی نظری

در مورد تأثیر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی دو دیدگاه وجود دارد: در دیدگاه اول فرض بر این است که افزایش مخارج دولتی دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی است زیرا بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی دارای کارایی کمتری بوده، در بازار ایجاد اختلال می‌کند و تهدیدی برای منابع بخش خصوصی است. در دیدگاه دیگر نقش دولت

1. Terry Miller, Kim R. Holmes, Edwin J. Feulner

در رشد اقتصادی مهم است زیرا دولت می‌تواند با هماهنگ کردن بخش خصوصی و عمومی زمینه را برای رشد اقتصادی بیشتر فراهم کند. دولت با ایجاد زیرساخت‌های لازم و گسترش سرمایه انسانی و ارتقای فناوری می‌تواند کارایی را افزایش دهد و مکمل بخش خصوصی باشد (قطمیری و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰).

مهم‌ترین تقسیم‌بندی مخارج در بودجه، دسته‌بندی مخارج دولت در امور گوناگون است. در این نوع از طبقه‌بندی، مخارج عمومی دولت به چهار بخش امور عمومی، امور دفاعی، امور اجتماعی و امور اقتصادی تقسیم می‌شود. مخارج مربوط به امور عمومی و امور دفاعی را می‌توان در قالب مخارج اجرای امور حاکمیت طبقه‌بندی کرد. مخارج مربوط به امور اجتماعی، به فعالیت‌های اجتماعی اشاره دارد. امور اقتصادی نیز شامل مخارجی است که انجام آن‌ها محرک فعالیت‌های اقتصادی و در راستای توسعه اقتصادی است و مصرف آن‌ها به افزایش رفاه اقتصادی جامعه می‌انجامد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۱).

قانون واگنر نشان می‌دهد که رابطه‌ی تعادلی بلندمدت بین هزینه‌های عمومی و تولید ناخالص داخلی وجود دارد. این قانون می‌گوید که علیت از GDP به مخارج عمومی است. در مقابل، کینزیان هزینه‌های عمومی را به عنوان یک ابزار سیاست می‌بینند که بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می‌گذارد. این دو فرضیه‌ی تجربی برای کشورهای توسعه‌یافته و همچنین کشورهای در حال توسعه آزمون شده‌اند. چاو و همکاران^۱ (۲۰۰۲)، تورنتون (۱۹۹۹) و انصاری و همکاران (۱۹۹۷) شواهدی را در حمایت از قانون واگنر پیدا کرده‌اند. با این حال، رام (۱۹۸۶)، افکستنیو و سرلتیس^۲ (۱۹۹۶) و وهاب^۳ (۲۰۰۴) موفق به یافتن شواهد در حمایت از قانون واگنر نشدند. با این حال، برخی مطالعات شواهدی را در حمایت از هر دو قانون واگنر و فرضیه‌های کینزی یافتند؛ برای مثال دولین و هنسن^۴ (۲۰۰۱) و بیسوال و همکاران^۵ (۱۹۹۹) شواهدی مبنی بر یک علیت دوطرفه بین تولید ناخالص داخلی واقعی و هزینه‌های عمومی واقعی پیدا کردند.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر توسعه که به صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و توسعه است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا

1. Chow et al
 2. Afxentiou & Serletis
 3. Wahab
 4. Devlin & Hansen
 5. Biswal et al

حدی است که برخی از محققان نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند (رودیک و همکاران^۱ (۲۰۰۲)، عجم اغلو و همکاران^۲ (۲۰۱۴)). تئوری حکمرانی خوب با روش‌ها و ساختارهای حکمرانی در کشورهای درحال توسعه مرتبط است و از طریق دسته‌ای از اصول و سیاست‌ها که ابتدا توسط بانک جهانی در خصوص کشورهای درحال توسعه معرفی شدند، گسترش پیدا می‌کند. حکمرانی خوب درباره چگونگی گسترش بخش عمومی در کشورهای درحال توسعه بحث می‌کند این‌گونه مشخص شده است که شکل مدرن حکومت علاوه بر کارایی، درباره مسئولیت‌پذیری حکومت و شهروندان است (اکادبو^۳، ۲۰۱۷: ۱۵۴). حکمرانی خوب بیان می‌کند که چگونه مردم یک کشور صرفاً مشتری یا مصرف‌کننده نباشند، بلکه شهروندی باشند که حق داشته باشد تا حکومت خود را مسئول اقداماتی که انجام می‌دهد یا در آن شکست می‌خورد، بداند. تقاضا برای کارآمدی در بخش عمومی نباید منجر به خدمات بد شود؛ اگر خدمات مناسب نباشد شهروندان حق اعتراض و مسئول دانستن سیاستمداران را دارند (اسدوززآمان و همکاران^۴، ۲۰۱۶: ۳). حکمرانی خوب نیاز و بستگی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها و اصول دارد. تئوری حکمرانی خوب راهکار جدیدی است که بعد از ناکارآمدی روش‌های پیشین توسعه از سوی کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه گردیده است. در این الگو دولت باید زمینه را برای ثبات، امنیت، کاهش نقش تصدی‌گری و اثربخشی فراهم آورد. دولت در تعریف جدید با مؤلفه‌هایی مانند دموکراسی، مشارکت، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فساد شناخته می‌شود. (گنور و نورث^۵، ۲۰۱۴، ص ۵۴۵). ویلیام سون اولین نظریه‌پرداز بود که در سال ۱۹۷۹ دولت موافق بازار را مطرح کرد و پس از وی بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول با تأثیرپذیری از نظریه ویلیام سون الگوی «حکمرانی خوب» را مطرح کردند که با تعامل سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی شکل می‌گیرد (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱).

بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری و هر قدر این ویژگی‌ها در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور

-
1. Rodrik, D., Subramanian, A. & Trebbi, F
 2. Acemoglu, D., Gallego, F.A. & Robinson, J.A.
 3. Woleola J. Ekundayo
 4. Mohammed Asaduzzaman and Petri Virtanen
 5. Miguel Goede and Rostam J. Neuwirth

بهتر است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۶۵). بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می‌کند (کافمن و همکاران^۱، ۲۰۱۰: ۲):

الف: شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی^۲

ب: شاخص ثبات سیاسی^۳

ج: شاخص کارایی و اثربخشی دولت^۴

د: شاخص کیفیت قوانین و مقررات^۵

ه: شاخص حاکمیت قانون^۶

و: شاخص کنترل فساد^۷

۱- **حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی:** درک و توانایی شهروندان کشور برای انتخاب دولت، آزادی بیان و احزاب، رسانه‌ها و انجمن‌ها در این مؤلفه خلاصه می‌شود (گئور و نوورث، ۲۰۱۴: ۵۴۵).

۲- **ثبات سیاسی:** در الگوی حکمرانی خوب، دولت‌ها باید ثبات سیاسی را در چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی مستقر سازند، ثبات، امنیت و عدالت را در جامعه فراهم کنند و در چنین شرایطی با کاهش نقش تصدی‌گری و روی آوردن به نقش حمایتی، اداره دولت را از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی خوب تغییر دهند (بیگی نیا، ۱۳۹۱: ۶۵).

۳- **اثربخشی دولت:** منظور از اثربخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح است. کیفیت خدمات کشوری و تنظیم، تدوین و اجرای سیاست‌ها و تعهد دولت در این سیاست‌ها و آگاهی از کیفیت خدمات عمومی نیز در این مؤلفه قرار می‌گیرند (کنسمانگا^۸، ۲۰۱۶-۲۰۱۳).

۴- **کیفیت و تنظیم مقررات:** این شاخص شامل آگاهی از توانایی‌های دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های شفاف و همچنین مقرراتی است که جوازها و توسعه‌ی بخش خصوصی را ارتقا می‌دهند (امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸).

-
1. Kaufmann et al
 2. Voice&Accountability
 3. Political Stability
 4. Government Effectiveness
 5. Reguiatory Quality
 6. Rule of Law
 7. Control of Corruption
 8. Katsamunsk

تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا ۷۹

۵- **حاکمیت قانون:** شامل حفاظت از حقوق مالکیت، استقلال قضایی و کنترل فساد است (گئور و نوورث، ۲۰۱۴: ۵۴۵).

۶- **فساد:** منظور کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است. مهم‌ترین وظیفه دولت تأمین امنیت، افزایش رفاه اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی با ایجاد و بهره‌گیری از ابزارها و نهادهایی است که دولت را در تحقق این اهداف یاری می‌رساند (آکای^۱، ۲۰۰۵: ۸). نورث^۲ (۱۹۹۰)، عجم اوغلو و همکاران (۲۰۱۳)، آیر^۳ (۲۰۱۰) و کنستانتین و لیبراتی^۴ (۲۰۱۱) و دیگر محققان به شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی و اندازه‌گیری این عوامل پرداختند.

مطالعات تجربی

برای خلاصه‌نویسی و بیان اصل مطلب، اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه‌ی مورد مطالعه در جدول زیر آورده شده است. در ادامه تفاوت مطالعه خود با این تحقیقات را بیان می‌کنیم:

جدول (۱): پیشینه تجربی تحقیق

نویسنده (گان) سال	مطالعات خارجی	نتیجه
جاناتان اسپیتری، ماری بریگوگلیو ^۵ (۲۰۱۸)	آیا حکمرانی خوب اعتماد به دولت را تقویت می‌کند؟ یک تحلیل تجربی	حکومت‌داری خوب یک عامل کلیدی برای اعتماد به دولت است.
ولئولا جی اکاندیو ^۶ (۲۰۱۷)	تئوری حکمرانی خوب و جستجو برای حکمرانی خوب در نیجریه	شواهدی از حکمرانی خوب در نیجریه وجود ندارد.
آنسویوشی موروزومی، فرانسیسکو ژوزه، وگا ^۷ (۲۰۱۶)	مخارج عمومی و رشد: نقش مسئولیت‌پذیری دولت	مسئولیت‌پذیری دولت رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی دارد
جورجیو داگستینو، جی. پاول دن و لوکا پیرونی ^۸ (۲۰۱۶)	مخارج دولت، فساد و رشد اقتصادی	رشد و مخارج رابطه مثبت -رشد و فساد رابطه منفی

1. Akai
2. North
3. Iyer
4. Costantini & Liberati
5. Jonathan Spiteri, Marie Briguglio
6. Woleola J. Ekundayo
7. Atsuyoshi.Morozumi, Francisco José Veiga
8. d'Agostino, G. et al

عباس عساری، بهرام شهبایی، امیرحسین مزینی، احد رسولی (۲۰۱۶)	تأثیرات منبع شاخص‌های فلاکت و حکمرانی خوب بر روی مخارج بهداشتی در دهک‌های درآمدی متفاوت و وضعیت بهداشت	تأثیر مثبت حکمرانی بر بهداشت دهک‌های پایین
ریاتی احمد، جونیدا حسن ^۱ (۲۰۱۶)	مخارج بهداشت عمومی، حکمرانی و بازده سلامت در مالزی	اثر مثبت حکمرانی بر رشد مخارج بهداشتی
محمد اسماعیل صبری ^۲ (۲۰۱۵)	حکومت‌داری خوب، نهادها و عملکرد مشارکت خصوصی دولتی	نهادها، حکومت‌داری خوب، کیفیت، کارایی اداری و استقلال، باعث تقویت بخش خصوصی و اثر مثبت بر رشد سرمایه‌گذاری می‌شود.
انیوسنت ماکوتا و برتادت اوهر ^۳ (۲۰۱۵)	کیفیت حکمرانی، مخارج عمومی در بهداشت و وضعیت بهداشت در آفریقای سیاه	اثر مثبت حکمرانی بر رشد مخارج بهداشتی
بیچکا فیسا، فخر گیل ^۴ (۲۰۱۵)	بررسی مجدد رابطه بین رشد و حکمرانی در توسعه اقتصادهای اقیانوسیه و آسیا	اثر مثبت حکمرانی بر رشد و توسعه
مطالعات داخلی		
منیژه اسدی، مسعود نیک‌قدم، جواد هراتی (۱۳۹۶)	ارتباط متقابل مخارج بهداشتی دولت و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب حوزه منا	نتایج نشان دهنده تأثیر متقابل مخارج بهداشتی و رشد اقتصادی است
ابوالفضل شاه آبادی، سارا ساری گل (۱۳۹۵)	اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای منتخب در حال توسعه	تولید ناخالص ملی و سرمایه انسانی بر سرریز دانش اثر مثبت و معنی‌داری دارند
بهزاد امیری و همکاران، ابوالفضل شاه‌آبادی (۱۳۹۴)	تأثیر نهادهای خوب بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت	نهادهای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر توسعه کشورهای اسلامی دارد.
حمید سپهر دوست و همکاران (۱۳۹۴)	تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی	حکمرانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد نظام مالیاتی دارد.
اکبر کمیجانی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی در ایران	کیفیت دولت اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد
سید مهدی حسینی و همکاران (۱۳۸۷)	ترکیب اجزای مخارج دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی با تأکید بر امور و فصول بودجه عمومی دولت	مخارج مصرفی دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و مخارج عمرانی دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی است.

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعات تجربی

1. Riayati .A, Junaidah H
2. Mohamed Ismail Sabry
3. Innocent Makuta and Bernadette O'Hare
4. Bichaka Fayissa & Fahad Gill

تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا ۸۱

در مطالعات انجام شده داخلی و خارجی تأثیر یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب و بخشی از مخارج دولتی بررسی شده است، درحالی‌که ما در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه هم‌زمان شاخص‌های حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی هستیم تا از این طریق تأثیرات کامل مخارج با توجه به زیربخش‌های آن بر رشد بررسی شود. مهم‌ترین تفاوت‌های این تحقیق با سایر تحقیقات به طور خلاصه شامل موارد زیر است:

- کشورهای مورد مطالعه
- بازه زمانی به کار گرفته شده در تحقیق
- روش سنجی به کار رفته در تحقیق
- بررسی تأثیر و نوع ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته
- چند بعدی بودن مطالعه مورد نظر (ارتباط تمام شاخص‌های حکمرانی خوب با اجزای مخارج دولت و رشد اقتصادی)

روش تحقیق

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱(GMM):

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM یک مدل قوی است که به اطلاعات در مورد توزیع دقیق جملات خطا نیاز نیست. در این مدل علاوه بر متغیرهای اصلی، متغیرهای با وقفه نیز به منظور تخمین مدل بهتر و واقعی‌تر، وارد الگو می‌شوند. به منظور رفع همبستگی متغیر وابسته با وقفه و جمله خطا، وقفه متغیرهای توضیحی نیز به عنوان ابزار استفاده می‌شود آرلانو و باند^۲(۱۹۹۱). متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده با آزمون سارگان^۳ که توسط آرلانو و باند معرفی شده است، آزمون می‌شود (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲).

هنگام کار با متغیرهایی که دارای مقیاس‌های متفاوت هستند امکان دارد برخی از شاخص‌ها، ضرایب تخمینی را دچار انحراف کنند. برای اجتناب از این کار، در این مطالعه برای محاسبه شاخص حکمرانی به پیروی از روش برنامه توسعه سازمان ملل^۴(۲۰۱۴) تمام متغیرها به

1. Generalized Method of Moments
2. Arellano & Bond
3. Sargan Test
4. United Nations Development Program

صورت زیر نرمال گردیده است:

$$\frac{(V_i - V_{min})}{(V_{max} - V_{min})} * 10$$

در رابطه بالا V_{max} : بیشترین مقدار متغیر در نمونه و V_i : مقدار متغیر برای کشور و V_{min} : کمترین مقدار متغیر در نمونه است. مقادیر نرمال شده متغیرها بین یک تا ده بوده و اعداد بزرگ‌تر نشان دهنده وضعیت بهتر در متغیر مورد نظر است (امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۱

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، روشی برای کاهش متغیرها در شرایطی است که بین متغیرها همبستگی وجود داشته باشد. این روش بدون حذف اطلاعات اساسی، متغیرهای اصلی را به متغیرهای غیرهمبسته تبدیل کرده، تعداد آن‌ها را کاهش می‌دهد. این متغیرهای جدید، مؤلفه‌های اصلی نامیده می‌شوند؛ سپس برای ترکیب زیر شاخص‌ها به آن‌ها وزن داده می‌شود. وزن نهایی مناسب به کار رفته به صورت نظری و تجربی اهمیت دارد. در این تحقیق برای وزن دهی به داده‌ها از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود (شاگری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۹).

معرفی مدل و متغیرهای استفاده شده

یکی از شیوه‌های حاکم برای برآورد کمی تأثیر شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی، استفاده از تابع تولید است. این متغیر در مطالعات گوناگون با در نظر گرفتن متغیر شاخص‌های حکمرانی یا مخارج دولتی در توابع تولید بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. در این تحقیق از داده‌های آماری پانل دیتا طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۲ برای کشورهای حوزه منا استفاده شده است. داده‌های تحقیق از گزارش‌های پایگاه‌های اطلاعاتی بانک جهانی^۲ و صندوق بین‌المللی پول^۳ و شاخص‌های توسعه جهانی^۴ (WDI) گرفته شده‌اند. به این دلیل که شاخص‌های حکمرانی خوب از سال ۲۰۰۲ به بعد همه ساله گزارش شده‌اند، دوره زمانی تحقیق از ۲۰۰۲ به بعد انتخاب شده است. برای انجام محاسبات کامپیوتری از نرم‌افزار Excel, Eviews9 استفاده شده است. در این مطالعه به منظور برآورد تأثیر

1. Principle Components Model
 2. World Bank
 3. International Monetary Fund
 4. World Development Indicators

شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی در کشورهای حوزه منا طی دوره موردبررسی، الگوهای جورجیو داگستینو، جی. پاول دان و لوکا پیرونی (۲۰۱۶) را به کار گرفته‌ایم. دلیل استفاده از این الگو این می‌باشد که با ترکیب مدل‌های گوناگون مدل گسترش‌یافته‌تری نسبت به بقیه مدل‌ها به دست آورده و در آن به اجزای مخارج دولتی اهمیت داده شده است، درحالی‌که در بیشتر مدل‌ها مخارج دولتی به صورت کل آورده شده است. این الگو به صورت زیر است: (آگستینو و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۹۳).

$$Y_{it} = \psi_1^j X_{it}^1 + \psi_2 Y_{t-1} + \psi_3 \text{priv}_{inv} + \psi_4^k X_{it}^2 + TR_t + v_i + \eta_t + \mu_{it} \quad (1)$$

با توجه به مدل ارائه شده می‌خواهیم تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب را به عنوان متغیرهای نهادی با مخارج دولتی بسنجیم به این صورت که شش شاخص حکمرانی را به سه گروه به صورت زیر تقسیم می‌کنیم و تأثیر هم‌زمان آن‌ها و زوج‌های دوتایی با مخارج دولتی را می‌سنجیم. برای فرمول‌بندی معادلات هم‌زمان از قانون واگنر استفاده می‌کنیم. در این قانون بر رشد اقتصادی به عنوان عامل تعیین‌کننده رشد مخارج عمومی تأکید می‌شود. طبق کارهای انجام شده توسط راثو، انور، پیکاک و اسکات (۲۰۰۰) مخارج دولتی تابعی از رشد اقتصادی، مخارج دولتی طی دوره‌های گذشته و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته می‌شود.

$$G_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Growth}_{it} + \alpha_2 G_{(-1)it} + \alpha_3 \text{FDI}_{it} + u_t \quad (2)$$

$$\text{Growth}_{it} = \psi_1^j X_{it}^1 + \psi_2 \text{Growth}_{t-1} + \psi_3 \text{priv}_{inv} + \psi_4^k X_{it}^2 + \mu_{it} \quad (3)$$

$$X_{it}^1 = [G_{it}, \text{trad openness}_{it}, \text{inf}_{it}] \quad (4)$$

$$X_{it}^2 = [\text{regulation quality}_{it}; \text{political stability}_{it}; \text{cons}_{it}; \text{Voice\&Accou}_{it}; \text{Government Effective}_{it}; \text{Law}_{it}] \quad (5)$$

البته برای بخش‌های گوناگون مخارج عمومی می‌توان شاخص حکمرانی را به عنوان یک متغیر کنترل وارد کرد به این صورت که از میانگین دو شاخص شفافیت و پاسخ و ثبات سیاسی بدون حضور خشونت در تابع مخارج عمومی (GG)، از میانگین دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم‌گری مقررات در تابع مخارج امور

1. GIORGIO D'AGOSTINO, J. PAUL DUNNE & LUCA PIERONI

2. Peacock and Scott

اقتصادی (EG) و از میانگین حسابی دو شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد در تابع مخارج امور اجتماعی (SG) استفاده کرد.

$$\text{Growth}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Growth}_{t-1} + \alpha_2 G_{it} + \alpha_4 \text{INF}_{it} + \alpha_5 \text{priv}_{\text{inv}} + \alpha_6 \text{GOV}_{it} + \alpha_7 \text{open}_{it} + \mu_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$\text{Growth}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Growth}_{t-1} + \alpha_2 \text{GG}_{it} + \alpha_3 \text{priv}_{\text{inv}} + \alpha_4 (\text{V\&P})_{it} + \alpha_5 \text{open}_{it} + \mu_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$\text{Growth}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Growth}_{t-1} + \alpha_2 \text{EG}_{it} + \alpha_3 (\text{E\&R})_{it} + \alpha_4 \text{open}_{it} + \mu_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$\text{Growth}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Growth}_{t-1} + \alpha_2 \text{SG}_{it} + \alpha_3 (\text{R\&C})_{it} + \alpha_4 \text{open}_{it} + \mu_{it} \quad \text{مدل (۴)}$$

$$\text{Growth}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Growth}_{t-1} + \alpha_2 (G * \text{GOV})_{it} + \alpha_3 \text{priv}_{\text{inv}} + \alpha_4 \text{open}_{it} + \mu_{it} \quad \text{مدل (۵)}$$

$$G_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Growth}_{it} + \alpha_2 G_{(-1)it} + \alpha_3 \text{FDI}_{it} + u_t \quad \text{مدل (۶)}$$

توضیح متغیرهای مورد استفاده به شرح زیر است:

رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP growth): تولید ناخالص داخلی سرانه از تقسیم خالص ارزش افزوده تولیدکنندگان داخل یک کشور بر جمعیت سالانه حاصل می‌شود.

مخارج عمومی (GG): منظور هزینه‌های نظامی دولت است.

مخارج اقتصادی (EG): منظور کل هزینه‌های مصرفی دولت است.

مخارج اجتماعی (SG): منظور کل هزینه‌هایی است که توسط دولت در بخش بهداشت و آموزش انجام می‌شود.

بازبودن تجارت (open): اصلی‌ترین معیار بازبودن، از جمع صادرات و واردات تقسیم بر

تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود که به عنوان سهم تجارت از آن نام می‌برند.

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (priv_{inv}): برای نشان دادن این متغیر از شاخص انباشت

خالص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به صورت درصدی از GDP استفاده می‌شود.

-
1. Gross domestic production per capita growth
 2. private investment

تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا ۸۵

شاخص حکمرانی خوب (GOV):^۱ برای نشان دادن شاخص حکمرانی خوب، از شاخص حکمرانی خوب - که توسط بانک جهانی به صورت میانگین حسابی شش شاخص به دست آمده - استفاده می‌شود. در این تحقیق خود شاخص را به سه دسته دیگر تقسیم‌بندی کردیم تا تأثیر شاخص‌های نهادی را بهتر بررسی کنیم.

الف: میانگین حسابی دو شاخص پاسخ‌گویی و ثبات سیاسی که نشان دهنده نظارت، انتخاب و تعویض صاحبان قدرت است. (V&P)^۲

ب: میانگین حسابی دو شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت که نشان دهنده استفاده درست از منابع و اجرای درست سیاست‌ها توسط دولت است. (E&R)^۳

ج: میانگین حسابی دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد که نشان دهنده احترام دولت و مردم به نهادهایی است که روابط اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را اداره می‌کند. (R&C)^۴

U_{it} نیز جزء اخلاص مدل، i نشان دهنده کشور و t نشان دهنده دوره زمانی است. معادله به صورت لگاریتمی آورده شده است. برای برآورد تأثیر مخارج دولتی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی معادلات یادشده برای کشورهای حوزه منا به صورت هم‌زمان برآورد شده‌اند. با برآورد این معادله مشخص شد که چند درصد از رشد اقتصادی کشور توسط مخارج دولتی و حکمرانی خوب توضیح داده می‌شود. با تغییر شاخص‌های نهادی میزان تأثیر مخارج دولتی در معادلات گوناگون سنجیده شده است که نتایج آن در ادامه بیان می‌شود.

آزمون ریشه واحد در داده‌های پانلی

اغلب مدل‌های اقتصادسنجی که در دهه‌های قبل استفاده می‌شد بر فرض ایستایی سری‌های زمانی استوار بود. بعدها که ناپیوستگی بیشتر سری‌های زمانی آشکار شد، به‌کارگیری متغیرها منوط به انجام آزمون‌های ایستایی مربوطه گردید.

در ادامه، با استفاده از آماره آزمون‌های LLC^۵، IPS^۶ و ADF-fisher Chi-square^۷

-
1. Governance
 2. Voice and Political
 3. Effectiveness and Regulatory
 4. Rule and Corruption
 5. Levin, Lin & Chu
 6. Im, Pesaran ang ShinWstat

به بررسی ایستایی متغیرها می‌پردازیم که نتایج آماره این آزمون‌ها در جداول آمده است:

جدول (۲): نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی
با در نظر گرفتن عرض از مبدأ و روند

نام متغیر	LLC	IPS	ADf-fisherChi-square	نتیجه آزمون
LGDP	-۲/۵۸۸۷ (۰/۰۰۴۸)	۳/۶۲۳۴ (۰/۰۰۰۱)	۶۴/۳۱۵۱ (۰/۰۰۱۳)	پایا در سطح I(1)
GG	-۳/۵۶۲ (۰/۰۰۲)	-۲/۸۳۱۴ (۰/۰۰۲۳)	۵۵/۶۱۲ (۰/۰۱۱۱)	پایا در سطح I(1)
EG	-۴/۴۳۳۰ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۶۴۴۹ (۰/۰۰۰۱)	۶۷/۸۰۶۱ (۰/۰۰۰۵)	پایا در سطح I(1)
SG	-۳/۹۵۰ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۹۴۳۱ (۰/۰۰۰۰)	۷۰/۳۵۹ (۰/۰۰۰۲)	پایا در سطح I(1)
LOPEN	-۷/۷۸۵۷ (۰/۰۰۰۰)	-۷/۷۰۸۶ (۰/۰۰۰۰)	۱۲۵/۳۶۶ (۰/۰۰۰۰)	پایا در سطح I(1)
LINF	-۹/۷۰۹۳ (۰/۰۰۰۰)	-۷/۰۷۸۹ (۰/۰۰۰۰)	۱۰۸/۵۲۴ (۰/۰۰۰۰)	پایا در سطح I(0)
LGOV	-۳/۸۹۷۹ (۰/۰۰۰۰)	-۶/۵۸۲۰ (۰/۰۰۰۰)	۱۰۷/۹۴۴ (۰/۰۰۰۰)	پایا در سطح I(1)

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌شود که متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی، لگاریتم مخارج امور عمومی، لگاریتم مخارج امور اقتصادی و لگاریتم مخارج امور اجتماعی، لگاریتم تجارت باز، لگاریتم حکمرانی خوب در سطح و با در نظر گرفتن عرض از مبدأ و روند ایستا نیستند. فقط شاخص تورم در آزمون LLS ایستاست. متغیرها بر اساس کلیه آماره‌های بالا با یکبار تفاضل‌گیری ایستا می‌شوند.

تخمین مدل

جدول (۳): تخمین الگوهای رشد با مخارج دولتی و شاخص‌های نهادی

مدل ۶ (معادله مخارج)	مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	Variable
	۰/۲۷۱ (۰/۰۰۲)	۰/۸۲۰ (۰/۰۰۰)	۰/۸۳۹۶ (۰/۰۰۰)	۰/۷۶۷۸ (۰/۰۰۰۰)	۰/۲۶۱ (۰/۰۰۰)	GDP(-1)
					۰/۲۶۲ (۰/۰۰۰۱)	G
				-۰/۴۱۷۸ (۰/۰۰۰۰)		GG
			-۰/۱۶۳۶ (۰/۰۰۹۷)			EG
		-۰/۰۷۹۵ (۰/۰۰۷۵)				SG
	-۰/۳۸۷ (۰/۰۰۲۵)					G*GOV
	-۰/۰۰۲ (۰/۳۱۳)				-۰/۰۳۳ (۰/۰۰۵۸)	INF
	-۰/۰۰۶ (۰/۰۰۹)			۰/۰۰۶۷ (۰/۰۰۹۳)	۰/۰۰۳ (۰/۰۰۲۸)	priv _{inv}
					۰/۲۰۸ (۰/۰۰۰)	GOV
	۰/۳۶۹ (۰/۰۰۵۹)	۰/۴۳۹۱ (۰/۰۰۰۰)	۰/۳۶۶۴ (۰/۰۰۰۲)	۰/۴۸۶ (۰/۰۰۰۰)	۰/۴۴۰ (۰/۰۰۰)	OPEN
				-۰/۱۳۸ (۰/۰۰۰۲)		V&P
			۰/۲۰۲ (۰/۰۰۵)			E&R
		-۰/۰۲۶۳ (۰/۰۰۰۱)				R&C
۰/۵۰۱ (۰/۰۰۰)						GDP
۰/۳۰۹ (۰/۰۰۰)						G(-1)
-۰/۰۱۲ (۰/۰۰۲)						FDI

مأخذ: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج جدول (۳) تأثیر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منا مثبت و معنی‌دار است. در کشورهای حوزه منا با توجه به دخالت دولت و فعالیت کمتر بخش خصوصی، دولت با افزایش مخارج خود زمینه را برای افزایش رشد اقتصادی جامعه فراهم می‌کند که این کار از طریق اجرای سیاست‌های مالی دولت اجرا می‌شود و با افزایش امکانات و زیرساخت‌ها سطح قدرت خرید مردم را افزایش داده، با افزایش تقاضا جامعه زمینه را برای افزایش تولید و رونق اقتصادی فراهم می‌آورد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط دولین و هانسن (۲۰۰۱)، بیزوال و همکاران (۱۹۹۹) و جورجینیو آگستینو و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

بر اساس نتایج جدول (۳) و تخمین مدل‌های (۲) تا (۵) به بررسی تأثیر جداگانه اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی پرداختیم.

در مدل (۲) همان‌طور که مشاهده می‌شود تأثیر مخارج امور عمومی (دفاعی) بر رشد اقتصادی منفی است و مقدار ضریب آن برابر با $0/418$ است یعنی این نشان دهنده این است که با افزایش یک درصدی سهم مخارج امور عمومی از تولید ناخالص ملی، رشد اقتصادی به اندازه $0/417$ کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه افزایش حجم مخارج امور عمومی در تخصیص بهینه منابع، ایجاد اختلال می‌کند و باعث جابجایی منابع از بخش تولید به سمت تجمیع وسایل نظامی و گسترش نیروهای مسلح می‌شود پس دارای تأثیر کند کننده‌ای بر رشد اقتصادی است. با توجه به گسترش جنگ و ناامنی در کشورهای حوزه منا این نتیجه دور از انتظار نیست. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط حسینی و همکاران (۱۳۸۷) و جورجینیو آگستینو و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

در مدل (۳) همان‌طور که مشاهده می‌شود تأثیر مخارج امور اقتصادی (مصرفی) بر رشد اقتصادی منفی است و مقدار ضریب آن برابر با $0/163$ است یعنی این نشان دهنده این است که با افزایش یک درصدی سهم مخارج امور اقتصادی از تولید ناخالص ملی، رشد اقتصادی به اندازه $0/163$ کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه حجم مخارج امور اقتصادی را می‌توان به عنوان شاخصی از میزان فعالیت‌های دولت در اقتصاد دانست پس دارای آثار مختل کننده بر رشد اقتصادی از طریق تخصیص نادرست منابع، به وجود آوردن انحصار، کاهش نقش بخش خصوصی، اختلال در جریان اطلاعات و تبدیل شدن کارایی اقتصادی به انگیزه‌های اداری و کاهش بهره‌وری است. با گسترش مخارج امور اقتصادی که باعث رشد سریع قوانین و مقررات می‌شود محیط رقابتی تضعیف و تولید کاهش می‌یابد.

در مدل (۴) همان‌طور که مشاهده می‌شود تأثیر مخارج امور اجتماعی (مخارج بهداشتی) بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است و مقدار ضریب آن برابر با ۰/۰۷۹ است یعنی این نشان دهنده این است که با افزایش یک درصدی سهم مخارج امور اجتماعی از تولید ناخالص ملی، رشد اقتصادی به اندازه ۰/۰۷۹ افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه مخارج امور اجتماعی (مخارج بهداشتی) یک کالا ضروری است، بنابراین افزایش سهم مخارج بهداشتی در بودجه‌ی دولت می‌تواند باعث تقویت مخارج بهداشتی در ارتقای سلامت جامعه و در نتیجه تولید شود. کشورهای حوزه منا برای رسیدن به شرایط مطلوب اقتصادی، لازم است مخارج بهداشتی را افزایش دهند زیرا از یک طرف رشد اقتصادی بیشتر برای این کشورها اهمیت دارد و از سوی دیگر نامناسب بودن شاخص‌های مربوط به توسعه بهداشتی و هزینه‌ها، فرایند رشد و توسعه را در این کشورها آسیب‌پذیر کرده است. تأمین بهداشت با ایجاد محیط‌های سالم‌تر برای انجام کار، باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و سلامت افراد جامعه و کاهش هزینه‌های مربوط به این امور می‌شود پس با اجرای صحیح و به موقع هزینه‌های بهداشتی می‌توان باعث رشد اقتصادی شد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط ریاتی و همکاران (۲۰۱۶) و انصاری و همکاران (۲۰۱۶) و ماکوتا و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

در بررسی تأثیر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی مشاهده گردید که کل مخارج دولتی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی است، ولی زمانی که مخارج دولتی به زیربخش‌های گوناگون تقسیم می‌شود نتایج متفاوت است. مخارج صرف شده برای بخش‌های گوناگون زیر فصل مخارج کل با وجود اثر مثبت مجموع آن‌ها، دارای آثار متفاوت از نظر میزان و نحوه اثرگذاری بر رشد اقتصادی است. بنابراین رشد حاصل از مخارج کل در مجموع رشد بهینه مورد انتظار نخواهد بود. پس با تغییر ترکیب مخارج کل در فصل‌های گوناگون به صورت بهینه، می‌توان به رشد بالاتری در اقتصاد کشور دست یافت.

متغیر تولید ناخالص داخلی دوره گذشته تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. هر چه رشد تولید در دوره‌های قبل بیشتر باشد در دوره جاری برای افزایش تولید زمینه فراهم‌تر است و رشد اقتصادی با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط چاندران و همکاران (۲۰۱۱)، ریاتی و همکاران (۲۰۱۶) و آتسویوشی و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

تأثیر شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. نهادهای خوب در یک جامعه با فراهم کردن زمینه مناسب برای همکاری مردم در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی و اجتماعی و ایجاد یک دولت مقتدر و پاسخ‌گو، زمینه را برای رشد اقتصادی بیشتر فراهم می‌آورد. از طرفی برای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نیاز به یک محیط امن و بدون خشونت است تا با کاهش خطر ناشی از سرمایه‌گذاری زمینه را برای سرمایه‌گذاری بیشتر فراهم آورد و با شفاف‌سازی حقوق مالکیت انگیزه برای کار و فعالیت بیشتر شود که این کارها با شاخص‌های نهادی مناسب اتفاق می‌افتد. از طرفی دیگر دولت با کنترل فساد و نظارت کافی باعث افزایش بازدهی بخش دولتی و جلوگیری از اتلاف منابع می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط بیچا و فهر گیل (۲۰۱۵)، امیری و همکاران (۲۰۱۶) و سپهر دوست و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است. در کشورهای حوزه منا با توجه به ضعف بخش خصوصی و فعال نبودن آن و ناامنی‌های موجود در حوزه خاورمیانه و افزایش خطر حاصل از سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌تواند با فراهم کردن زمینه و امکانات برای فعالیت در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و بسترسازی توسعه مفید باشد، پس دارای تأثیر معناداری است. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط امیری و همکاران (۱۳۹۴) و جورجینیو آگستینو و همکاران (۲۰۱۶) از لحاظ رابطه مثبت مطابقت دارد.

تأثیر متغیر بازبودن تجارت اقتصادی بر رشد اقتصادی، مثبت و معنی‌دار است. بازبودن تجارت از طریق افزایش جریان ورود و خروج سرمایه و گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری، فناوری و مدیریت می‌تواند باعث توسعه و رشد اقتصادی شود. این کار از طریق انتقال فناوری و تقویت بهره‌وری سرمایه انسانی و تقسیم کار بین‌المللی باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط انصاری و همکاران (۲۰۱۶) و جورجینیو آگستینو و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

متغیر دیگری که تأثیر آن بر رشد اقتصادی در جدول (۳) نشان داده شده است، تورم است که تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منا دارد. با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید واقعی جامعه و تأثیر آن بر تقاضا، تولید کاهش یافته و باعث رشد منفی تولید می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده به وسیله انصاری و همکاران (۲۰۱۶) و فراهانی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد.

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود با توجه به مدل ارائه شده تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب را به عنوان متغیرهای نهادی با مخارج دولتی به سه گروه تقسیم کردیم و تأثیر

هم‌زمان آن‌ها را به صورت زوج‌های دوتایی با اجزای مخارج دولتی بررسی کرده‌ایم. میانگین حسابی دو شاخص پاسخ‌گویی و ثبات سیاسی که نشان دهنده نظارت، انتخاب و تعویض صاحبان قدرت است (V&P) دارای تأثیر منفی بر مخارج امور عمومی (دفاعی) است؛ یعنی اینکه هر چه ثبات سیاسی و قدرت پاسخ‌گویی بیشتر باشد با ایجاد یک محیط امن و بدون خشونت برای فعالیت‌های اقتصادی و دادن اطمینان به سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، نیاز به گسترش مخارج امور دفاعی کاهش می‌یابد. میانگین حسابی دو شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت که نشان دهنده‌ی استفاده درست از منابع و اجرای درست سیاست‌ها توسط دولت است (E&R) دارای تأثیر مثبت بر مخارج امور اقتصادی است؛ یعنی اینکه با افزایش کارایی دولت از طریق وضع قوانین شفاف و محرک فعالیت‌های اقتصادی و حمایت‌های مناسب و کافی از حقوق مالکیت افراد، انگیزه فعالیت‌های اقتصادی برای داشتن جامعه‌ای توسعه‌یافته‌تر افزایش می‌یابد. میانگین حسابی دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد که نشان دهنده‌ی احترام دولت و مردم به نهادهایی است که روابط اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را اداره می‌کند (R&C) دارای تأثیر مثبت بر مخارج امور اجتماعی است زیرا با کنترل فساد و پیروی از قانون و در نتیجه جلوگیری از ائتلاف منابع و هدایت آن‌ها به سمت فعالیت‌های با بازدهی بالاتر، می‌توان اثربخشی مخارج امور اجتماعی بر رشد اقتصادی را افزایش داد.

در مدل (۵) همان‌طور که مشاهده می‌شود تأثیر هم‌زمان شاخص حکمرانی و مخارج دولتی بیشتر از زمانی است که هر کدام از این شاخص‌ها به تنهایی در نظر گرفته می‌شوند. در مدل (۶) همان‌طور که مشاهده می‌شود تأثیر تولید ناخالص داخلی و مخارج دولتی دوره گذشته بر مخارج دولتی مثبت و تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مخارج دولتی منفی و معنی‌دار است.

پس از آمدن تخمین، نوبت به آزمون‌های خاص در داده‌های GMM است. نتایج آزمون سارگان^۱: آزمون سارگان (۱۹۵۸) از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است و برای تعیین هر نوع همبستگی بین ابزارها و خطاها به کار برده می‌شود. برای اینکه ابزارها معتبر باشند، باید بین ابزارها و جملات خطا همبستگی وجود نداشته باشد. فرضیه صفر برای این آزمون این است که ابزارها تا آنجا معتبر هستند که با خطاها در معادله تفاضلی مرتبه اول همبسته نباشند. رد نکردن فرضیه صفر می‌تواند شواهدی دال بر مناسب بودن ابزارها فراهم آورد.

1. Sargan

جدول (۴): نتایج آزمون سارگان

مقدار χ^2 (J-Statistic)	ارزش احتمال (P-Value)
۱۴/۲۹۷۳	۰/۳۵۳۲

مأخذ: نتایج تحقیق

چون Prob آن بالای پنج درصد است بنابراین فرضیه صفر مربوط به معتبر بودن ابزارها را نمی‌توان رد کرد.

نتایج آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند:

این آزمونی است که وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. رد نکردن فرضیه صفر در این آزمون شواهدی دال بر فرض نبود همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند. به عبارتی تخمین GMM در صورتی سازگار است که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد.

جدول (۵): نتایج آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند

آزمون	مرتبه	مقدار آماره t	ارزش احتمال (P-Value)
آرلانو و باند	AR(1)	-۱/۹۶۷۶۴	۰/۰۴۹۱
آرلانو و باند	AR(2)	۰/۸۴۶۹۴	۰/۳۹۷

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج آزمون آرلانو و باند که در جدول شماره (۵) آمده، همبستگی بین جملات اختلال از مرتبه اول بوده، همبستگی از مرتبه دوم ندارند. پس روش گشتاور GMM روش مناسبی برای برآورد مدل است.

نتیجه‌گیری

بحث حکمرانی خوب و مخارج دولتی و تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان است. به همین منظور در این تحقیق تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و انواع مخارج دولتی به صورت هم‌زمان بر رشد اقتصادی برای کشورهای حوزه مناطی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ بررسی شده است. برای نشان دادن شاخص حکمرانی خوب از

تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا ۹۳

تعریف بانک جهانی استفاده شده است. متغیر مخارج دولتی و اجزای آن از اطلاعات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. نتایج نشان می‌دهند که تأثیر مخارج امور اقتصادی و مخارج امور عمومی (دفاعی) به عنوان زیر بخش‌های مخارج دولتی بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار است. تأثیر مخارج امور اجتماعی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار هست. نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که تأثیر هم‌زمان شاخص حکمرانی و مخارج دولتی بیشتر از زمانی است که هر کدام از این شاخص‌ها به تنهایی در نظر گرفته می‌شوند. همچنین تأثیر دوتایی زیرشاخه‌های حکمرانی (به عنوان شاخص نهادی) و مخارج امور اقتصادی و مخارج امور اجتماعی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر دوتایی زیرشاخه‌های حکمرانی (به عنوان شاخص نهادی) و مخارج امور عمومی بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار است. نتایج نشان می‌دهند که تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و بازبودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متقابل رشد اقتصادی و مخارج دولتی مثبت و معنی‌دار است.

با توجه به نتایج، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با توجه به تأثیر مثبت هم‌زمان شاخص حکمرانی خوب و مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در زمینه مخارج دولتی و اجزای آن طوری باشد که به مخارج بهداشتی بخش خصوصی نیز توجه شود.

- با توجه به تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی توصیه می‌شود دولت‌ها به گونه‌ای عمل کنند که بخش خصوصی فعال گردد تا زمینه افزایش کارایی و بهره‌وری عوامل تولید فراهم شود و بخش خصوصی به عنوان مکمل بخش دولتی باعث افزایش تولید و بهبود کارایی مخارج دولتی شود.

منابع

الف - فارسی

۱. اسدی، منیژه؛ نیکوقدم، مسعود؛ هراتی، جواد؛ «ارتباط متقابل مخارج بهداشتی دولت و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب حوزه منا: رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان»، فصل‌نامه اقتصاد و الگوسازی، ۱۳۹۶، سال هشتم، شماره ۲۱، ص ۸۷-۵۵.

۲. امیری، بهزاد؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ «تأثیر نهادها بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت»، فصل‌نامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۱۳۹۴، سال سوم، شماره ۲، ص ۱۱۸-۹۳.
۳. بیگی‌نیا، عبدالرضا و همکاران؛ «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب»، مجله چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۸۶-۶۵.
۴. جاسبی، جواد؛ نفری، ندا؛ «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز»، فصل‌نامه علوم مدیریت ایران، ۱۳۸۸، شماره ۱۶، ص ۱۱۷-۸۵.
۵. حسینی، سید مهدی و همکاران؛ «ترکیب اجزای مخارج دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی با تأکید بر امور و فصول بودجه عمومی دولت»، فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۸۷، ص ۳۷-۶۳.
۶. حیدری، حسن و همکاران؛ «رابطه‌ی بین اندازه‌ی دولت و رشد اقتصادی: مطالعه‌ی موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس»، فصل‌نامه اقتصاد مقداری، ۱۳۸۹، سال سوم، شماره ۷، ص ۶۶-۴۳.
۷. سپهر دوست، حمید و همکاران؛ «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی»، فصل‌نامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۱۳۹۴، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۲۶-۱۰۳.
۸. شاکری، محبوبه و همکاران؛ «ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصل‌نامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۳۹۴، سال بیست‌ویکم، شماره ۶، ص ۱۰۶-۹۳.
۹. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ ساری گل، سارا؛ «اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای در حال توسعه منتخب»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ۱۳۹۵، شماره ۷۸، ص ۱۲۳-۹۳.
۱۰. صامتی، مرتضی و همکاران؛ «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)»، فصل‌نامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱، ص ۲۲۳-۱۸۳.
۱۱. صیادزاده، علی و همکاران؛ «بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: برآورد منحنی آرمی»، بیک نور، ۱۳۸۶، سال چهارم، شماره ۵، ص ۱۱۲-۹۵.
۱۲. فراهانی فر، سعید و همکاران؛ «تأثیر مؤسسات بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (روش گشتاور تعمیم‌یافته GMM)»، فصل‌نامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۳۹۴، سال سوم، شماره ۹، ص ۴۱-۲۱.

تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا ۹۵

۱۳. قلمیری، محمدعلی و همکاران؛ «بررسی تأثیر مخارج دولتی و منابع تأمین مالی آن بر تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی: مورد ایران (۸۲-۱۳۴۶)»، فصل‌نامه بررسی‌های اقتصادی، بهار ۸۵، دوره ۳، شماره ۱، ص ۳۵-۵.
۱۴. کمیجانی، اکبر و همکاران؛ «بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی در ایران به روش هم‌جمعی ARDL»، فصل‌نامه اقتصاد کاربردی، ۱۳۹۳، شماره ۴، ص ۴۹-۶۰.
۱۵. میدری، احمد؛ «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۳، سال بیست‌ودوم، شماره ۶، ص ۲۶۱-۲۸۷.

ب- لاتین

16. Acemoglu, D. & Garcia-Jimeno, C. & Robinson, J.A. (2013). **State capacity and development: A Network Approach**. NBER, Working Paper No. 19813.
17. Afxentiou, P.C., & Serletis, A. (1996). **Government expenditure in the European Union: do they converge or follow Wagner's Law**. *Int Econ J*, 10, 33-47.
18. Aisen, A. & Veiga, F. J. (2013). **How does political instability affect economic growth**. *Journal of Political Economy*, 29(c), 151-167.
19. Akitoby, B., Clements, B. & Gupta S, Inchauste. G. (2006). **Public spending, voracity and Wagner's law in developing countries**. *Eur J Polit Econ*, 22(4), 908-924.
20. Ansari, M.I., Gordon D.V., & Akuamoah. C. (1997). **Keynes versus Wagner: public expenditure and national income for three African countries**. *Appl Econ*, 29(4), 543-550.
21. Arellano, M., & Bond. S. (1991). **Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations**. *Rev Econ Stat*, 58(2), 277-297.
22. Asaduzzaman, I. M., & Virtanen, P. (2016). **Governance Theories and Models**. <https://www.researchgate.net/publication/308911311>.
23. Asimakopulos, S., & Karavias, Y. (2015). **The impact of government size on economic growth: a threshold analysis**. *Granger Centre Discussion Paper*, (15)2, 1-8.
24. Assari, A., Sahabi, B., Mozayeni, A. H., & Rasouli, A. (2016). **The Effects of the Resource Curse Indices and Good Governance on Health Expenditures in Different Income Deciles: Mediterranean Journal of Social Sciences**, (7) 4, 203-213.
25. Atsuyoshi, M., & Francisco, J.V. (2016). **Public spending and growth: The role of government accountability**, *European Economic Review* 89, 148-171.

26. Akai, N. (2005). **Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States**. The paper presented at the Bi-Annual Meeting of the Japanese Economic Association (at Kyōto Sangyō University, 4–5 June 2005).
27. Barro, R. J. (1991). **Economic growth in a cross section of countries**. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407–443.
28. Bichaka, F., & Fahad, G. (2015). **Revisiting the growth-governance relationship in developing Asian and Oceanic economies**: *Journal of Economics and Finance*, (10)4, 803–816.
29. Biswal, B., Dhawan, U., & Hooi, Y. L. (1999). **Testing Wagner versus Keynes using disaggregated public expenditure data for Canada**. *Appl Econ*, 31(10), 1283–1291.
30. Chandran Govindaraju, V.G.R., & Anwar, R.R.S. (2011). **Economic growth and government spending in Malaysia: a re-examination of Wagner and Keynesian views**: *Econ Change Restruct* (2011), 44, 203–219.
31. Chow, Y.F., Cotsomitist, J.A., & Kwan, A.C.C. (2002). **Multivariate cointegration and causality tests of Wagner's hypothesis: evidence from the UK**. *Appl Econ*, 34(13), 1671–1677.
32. Costantini, V. & Liberati, P. (2011). **Technology transfer, institutions and development**. University Degli Studi, Dipartimen to Di Economia, Working Paper No 135.
33. D'AGOSTINO, G., DUNNE, J.P., & PIERONI, L. (2016). **Government Spending, Corruption and Economic Growth, World Development**, (84), 190-205.
34. Devlin, N., & Hansen, P. (2001). **Health care spending and economic output: granger causality**. *Appl Econ Lett*, 8(8), 561–564.
35. Dunne, J.P. (2012). **Military Spending, Growth, Development And Conflict**, *Defence and Peace Economics*, (23)6, 549-557.
36. Ekundayo, W.J. (2017). **Good Governance Theory and the Quest for Good Governance in Nigeria**. *International Journal of Humanities and Social Science*. (7)5, 154-161.
37. Farag, M., Nandakumar, A.K., Wallack, S., Hodgkin, D., Gary Gaumer., & Erbil, C. (2013). **Health expenditures, health outcomes and the role of good governance**, *Int J Health Care Finance Econ* (2013), 13, 33–52.
38. Freund, C. & Bolaky, B. (2008). **Trade, regulations and income**. *Journal of Development Economics*, 87(2), 309-321.
39. Greene, W. H. (1951). *Econometric analysis* / William H. Greene. 7th ed. p. cm.
40. Goede, M., & Neuwirth, R.J. (2014). **Good governance and confidentiality: a matter of the preservation of the public Sphere**. *Corporate Governance*, (14)4, 543 – 554.

41. Gurgul, H. & Lach, L. (2012). **Political instability and economic growth: evidence from two decades of transition in CEE.** *MPRA*, Working Paper No. 37792.
42. Hopper, T. (2017). Neopatrimonialism, **Good Governance, Corruption and Accounting in Africa: Idealism versus Pragmatism.** *Journal of Accounting in Emerging Economies*, (7)2, pp.
43. Innocent, M., & Bernadette, O. (2015). **Quality of governance, public spending on health and health status in Sub Saharan Africa: a panel data regression analysis.** *BMC Public Health*, 15-32.
44. Iyer, L. (2010). **Direct versus indirect colonial rule in India: long-term consequences.** *Journal of Review of Economics and Statistics*, 92(4), 693-713.
45. Jamaliah, S. Md., Mahmudul, A. M., & Akmar, K. (2016). **Relationship between good governance and integrity system: empirical study on the public sector of Malaysia.** *Humanomics*, (32)2, 1-15.
46. Katsamunskaja, P. (2016). **The Concept of Governance and Public Governance Theories.** *Economic Alternatives*, 2, 133-141.
47. Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). **Governance Matters: The Worldwide Governance Indicators, Aggregate Indicators of Governance 1996-2010.** URL: <http://www.govindicators.org>.
48. Levine, R., & Renelt, D. (1992). **A sensitivity analysis of cross-country growth regressions.** *American Economic Review*, 82(4), 942-963.
49. Miller, T. & Holmes, K. R. & Feulner, E. J. (2017). **Index of Economic Freedom.** The Heritage Foundation in partnership with The Wall Street.
50. Meon, P. G., & Weill, L. (2010). **Is corruption an efficient grease.** *World Development*, 38(3), 244-259.
51. North, D. C. (1990). **Institutions, Institutional Change and Economic Performance.** *New York: Cambridge University Press.*
52. Peacock, A., & Scott, A. (2000). **The curious attraction of Wagner's law.** *Public Choice*, 102(1/2), 1-17.
53. Przeworski, A., Alvarez, M., Cheibub, J. A. & Limongi, F. (2008). **Democracy and development: political institutions and well-being in the world 1950-1990.** Cambridge University Press, New York.
54. Ram R (1986) **Causality between income and government expenditure: a broad international perspective.** *Public Finance* 41:393-414.
55. Ram, R. (1987). **Wagner's hypothesis in time-series and cross-section perspectives: evidence from "Real" data for 115 countries.** *Rev Econ Stat*, 69(2), 194-204.

56. Riayati ,A.,&Junaidah.H.(2016). **Public Health Expenditure, Governance and Health Outcomes in Malaysia(Perbelanjaan Awam, Urus Tadbir dan Natijah Kesihatan di Malaysia)**. *Jurnal Ekonomi Malaysia*, 50(1) , 29 -40.
57. Rodrik, D., Subramanian, A. & Trebbi, F. (2002). **Institutions rule: the primacy of institutions geography and integration in economic development**. *NBER*, Working Paper No. 9305
58. Sabry,M.I. (2015).**Good governance, institutions and performance of public privatePartnerships**. *International Journal of Public Sector Management*, (28)7, 566 – 582.
59. Silberberger, M. (2015). **Regulation, trade and economic growth**. Center for European Governance and Economic Development, Discussion Paper No. 255.
60. Spiteri,J.&. Briguglio,M.(2018).**Does Good GovernanceFoster Trust in Government? An Empirical Analysis" In Governance and Regulations**. *Contemporary Issues*. *Published online*, 12 ,121-137.
61. The Worldwide Governance IndicatorsMethodology and Analytical IssuesThe World BankDevelopment Research GroupMacroeconomics and Growth Team September 2010.
62. Thornton. J. (1999). **Cointegration, causality and Wagner’s law in 19th century Europe**. *Appl Econ Lett*,6(7),413–416.
63. Tridico, P. (2013). **The stage of development among former communist economies: social capital, the middle class and democracy**. *Journal of Socio-Economics*, 44(c), 47-58.
64. United Nations Development Program. (2016). **Human development report 2016**. Available at the <http://hdr.undp.org/en/content/human-development-report-2016>.
65. Vermunt, J. K. & Magidson, J. (2005). **Factor Analysis with Categorical Indicators: A Comparison between Traditional and Latent Class Approaches**. In A. Van der Ark, M.A.Croon and K.Sijtsma (eds), *New Developments in Categorical Data Analysis for the Social and Behavioral Sciences*,41-62.
66. Wahab, M. (2004). **Economic growth and government expenditure: evidence from a new test specification**.*Appl Econ* ,(36)2,125–2135.
67. Wei, A. J. (1999). Corruption in economic development – Beneficial grease, minor annoyance, or major obstacle, Policy Research Working Paper Series 2048. The World Bank.
68. World Bank (2016). <http://data.worldbank.org>